



آفاق ترجمه متون مقدس

پدیدآورده (ها) : شهدادی، احمد

اطلاع رسانی و کتابداری :: پژوهش و حوزه :: پاییز 1390 - شماره 37
از 27 تا 46

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1005746>

دانلود شده توسط : محمد لطفی پور

تاریخ دانلود : 09/12/1393

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

آفاق ترجمه متون مقدس

چکیده: در ترجمه متون قدسی، باید چند نکته را مد نظر داشت: اول، سبک متن که در آن، سبک معیار، رهیافت‌های ترجمه، کهنه‌گرایی و نوگرایی در ترجمه و سرانجام واژه‌شناسی باید مورد توجه و کاوش قرار گیرد. دوم، کاربرد ترجمه و سطوح مختلف خوانندگان که مترجم در انتخاب متن و نوع ترجمه باید آنها را لحاظ نماید. سوم، معناشناسی و سطوح معنا و تحولات زبانی در زبان و تفسیر و تأویل‌هایی که ممکن است در متن صورت بگیرد. چهارم، ریخت‌شناسی در ترجمه؛ یعنی توجه به همه عناصری که یک متن را تشکیل می‌دهند. پنجم، نوع نگاه مترجم و دایره و انگیزه‌های او که ممکن است در ترجمه دخالت داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه متون قدسی، متون قدسی، ابعاد ترجمه، لایه‌های ترجمه، عناصر متن در ترجمه.

ترجمه، فرآورده‌ای زبانی است. پس در بنیاد خود به زبان تکیه دارد. معنا در روابط متن دو گونه است: مبتنی بر حضور (جنبه نحوی)؛ مبتنی بر غیاب (جنبه معنایی). هر ترجمه، بر مبنای گونه‌ای الگوی زبانی شکل می‌گیرد.

فهم یک متن، بدون ارجاع به دیگر متون ممکن نیست. پرسش بنیادین این است: قرآن یا متون مقدس را به چه ارجاع دهیم؟ آنچه در ترجمه اهمیت دارد این است که متون مقدس را باید به تاریخ، شأن نزول، فرهنگ، تفسیر و دریافت و فهم همگانی آنها ارجاع داد. باختین سخنی درباره نویسنده گفته است که می‌توان آن را به هر مترجمی تعمیم داد: نویسنده در دنیای آکنده از کلمات دیگران عمل می‌کند و از میان همین کلمات است که راه خود را می‌جوید... هر یک از اعضای جامعه زبان واژه‌هایی را می‌یابد که از رهگذر صدای دیگران زیسته‌اند. او این واژه‌ها را با اصوات دیگران دریافت می‌کند، واژه‌هایی که با صدای دیگران پر شده‌اند. (تودوروف، ۱۳۷۹، ص ۴۹)

در ترجمه، به ویژه ترجمه متون مقدس باید به این نکته پراچ توجه داشت: سخن گفته شده خطاب به کیست؟ خطاب به انسان امروز یا انسان دیروز؟ تفاوت این دو شکل خطاب چیست؟ با پاسخ به این پرسش است که مترجم راه خود را به درستی می‌یابد.

ترجمه، آفرینشی است که موجب دگردیسی یک متن به متن دیگر می‌شود. اما مطلب اساسی این است که آیا با فهم قالب‌های نحوی و ساختاری یک متن می‌توانیم راز زیبایی آن را کشف کنیم. مترجم نباید بر اساس داوری خاص، زیبایی متن قدسی را تعریف کند و بخواهد آن را انتقال دهد. مترجم باید اجازه دهد متن، زیبایی‌های خود را جلوه‌گر سازد.

موضوع مقاله آفاق ترجمه متون قدسی و دینی است. سامرست موآم در اپیگراف کتاب بر لبه تیغ از اوپانیساده‌ها نقل می‌کند: «بر لبه تیغ گذر کردن دشوار است؛ بدین سان

دانایان می‌گویند که راه رستگاری دشوار است.^۱ به گمان، ترجمه به طور کلی و ترجمه متون مقدس به طور خاص مصداق روشن چنین سخنی است. به واقع کار دشوار ترجمه متون دینی در هر زبان، گونه‌ای گذر کردن بر لبه تیغ است. در مبحث ترجمه متون مقدس، چند نکته مهم و بنیادین را تحت عنوان افق طرح می‌کنیم. روشن است که مباحثی از این دست، صرفاً طرح موضوع به انگیزه روشن کردن ابهام‌ها است. در کار ترجمه متون مقدس چند افق مطرح است.

اول. افق سبک‌شناختی

مترجم متون دینی باید در آغاز ترجمه، برای به دست آوردن و مشخص کردن چگونگی سبک هر متن بکوشد و این نخستین قدم برای هر ترجمه درست است. وقتی می‌خواهیم متنی را ترجمه کنیم، مثلاً بخشی از قرآن کریم، احادیث یا احتجاجات دینی را به زبان فارسی برگردانیم، لازم است پیش از هر چیز سبک آن متن را بشناسیم و عناصر آن را تحلیل کنیم.

پرسش اساسی این است: سبک^۲ متن چیست و معلول یا فرآورده کدام عوامل است؟ سه رهیافت به متن وجود دارد: افق بینی^۳، دوربینی^۴ و ذره‌بینی^۵. با لحاظ این سه رهیافت، باید سبک متن را مشخص کرد.

در مبحث افق سبک‌شناختی چند نکته اساسی وجود دارد:

۱. بنگرید به: لبه تیغ، سامرست موأم، ترجمه مهرداد نبیلی، فرزانه روز و علمی - فرهنگی، بی‌تا، صفحه ایپگراف.

2. Style
3. Panoramic
4. Telescopic
5. Microscopic

۱. نثر معیار

در دوران معاصر، زبان آگاهی پدید آمده است و این کار مترجم را دشوار اما زیبا می‌کند. زبان، خود دستگاه نشانه‌ها و نمادها است. در ترجمه، آگاهی به نمادها و خبرگی در کاربرد آنها لازم است. شنیدن واژه‌ها در چینش فرهنگی و زمانی^۱ و نیز حساسیت^۲ به واژه، جمله، عبارت، پاراگراف و اصطلاحات بایسته است. ترجمه،^۳ گونه‌ای گذار زبانی^۴ است. از دیگر سو، متیو آرنولد گفته است: «خواندن فرهنگ است». (زیباکلام، ۱۳۷۸، ص ۸۸) اگر به این لحاظ فرهنگی توجه کنیم، در می‌یابیم که امروز نیز نثر مرده، آکنده از خشو، نثر خوب و انشانویسی نیز به کار ترجمه متن قدسی نمی‌آید. در آغاز هر طرحی برای ترجمه، مترجم باید جریان سیالی از پرسش‌ها را در باب متن مطرح کند و بدان پاسخ گوید تا بتواند خود را برای ترجمه آماده سازد.

۲. چهار رهیافت

نکته دیگر در افق سبک‌شناختی، رهیافت‌های گوناگون به ترجمه متن مقدس و دینی است. ترجمه واژه به واژه، جمله به جمله، عبارت به عبارت و کل مفهوم، چهار رهیافت در ترجمه‌اند. البته به لحاظ زبانی، عصر ترجمه واژه به واژه واقعاً سر آمده است. در هر حال و حتی اگر رهیافت مفهومی به ترجمه دنبال شود، یک نکته را نباید از یاد برد. آن نکته مهم این است که ترجمه مینی‌مالیستی هم مطلوب است: گرایش به حداقل زبانی و ایجاز. ترجمه متن دینی باید کمال ایجاز و اختصار را داشته باشد.

1. Cultural and Temporal setting
2. Sensitivity
3. Translation
4. Trans-language

۳. آرکایسیسم یا نوگرایی

ترجمه، ویران‌کننده سوییۀ قدسی متون مقدس است. پس باید چاره‌ای اندیشید. یکی از این چاره‌ها توجه به عناصر زیبایی‌شناختی از جمله آرکایسیسم و باستان‌گرایی است؛ اما در کاربرد این چاشنی نباید افراط کرد. به همین دلیل است که مثلاً ترجمۀ منظوم کاری عبث و بر بنیاد دیدگاه نادرستی از زیبایی‌شناسی زبان است.

یکی از مفاهیم مهم ترجمۀ متون مقدس، عناصر لذت‌هنری در آنها است. آیا وجود چنین عناصری لازم است؟ نویسندۀ ای کتابی دارد با عنوان چگونۀ کتاب بخوانیم تا لذت ببریم. کتاب راهنمای مترجمان باید این عنوان را داشته باشد: «چگونۀ ترجمه کنیم تا لذت ببرند». نباید از انتقال عناصر زیبایی‌شناختی در متن قدسی غافل بود. اما باید دانست که تنها راه این کار هم باستان‌گرایی نیست. وقتی هم که باستان‌گرایی کهنه‌نما جواب نمی‌دهد باید به صرافت طبیعی زبان ترجمه کرد. گاه ترجمۀ ساده و درست منعکس‌کننده برخی از زیبایی‌های متن قدسی است.

۴. تأملات واژه‌شناختی

مترجم، باید در هر دو زبان، یک واژه‌نامه^۱ مفید و جامع باشد. ترجمۀ واژگان متن دینی کاری مهم است. مثلاً «جن» را به «پنهان‌زیست» ترجمه کرده‌اند؛ اما پری بهتر است. هرچند خود «جن» نیز بارهای معنایی خود را دارد. کندراتوف گفته است:

واژه‌های دستوری مثل ضمایر، حروف اضافه، حروف ربط، حروف تعریف و افعال

اسنادی ۳۵ درصد زبان نوشتار را تشکیل می‌دهند. (کندراتوف، ۱۳۷۰، ص ۴۵)

بنابراین، توجه به ایتمولوژی و ریشه‌شناسی واژه‌های متون دینی امری بایسته است.

1. Lexicon

دوم. افق کاربردشناختی

افق مهم دیگر در عرصه ترجمه متون مقدس، افق کاربردشناختی است. در ترجمه هر متن، باید به کارویژه‌های تاریخی^۱ توجه شود؛ مثلاً ترجمه برای مخاطبان خاص، کم‌سواد، کودکان و نوجوانان لازم است. از طرف دیگر، روزآمدی ترجمه هم بسیار اهمیت دارد. مثلاً همان مسیحی می‌گویند: «اسکریپچر مسیحیان را تغذیه می‌کند: هم شیر است برای نوزادان و هم غذای سنگین‌تر برای بزرگسالان.» و این در متون دینی واقعی است انکارناپذیر است که ترجمه باید برای همه گروه‌ها و به تناسب نیازهای آنان مطرح شود.

سوم. افق معناشناختی

افق مهم دیگر در ترجمه متن مقدس و دینی، جنبه معناشناختی آن است. مترجم در این بخش باید به چند نکته اساسی توجه کند.

۱. سطوح مختلف زبان و کاربردهای آن

زبان سطح‌های مختلف دارد و از ادبی، کهن و علمی گرفته تا صنفی، عامیانه، رسمی و... امتداد می‌یابد. مترجم باید معلوم کند که زبان متن در زبان مبدأ چیست و خود او می‌خواهد آن را به چه سطحی از زبان مقصد ترجمه کند.

۲. تطورات زبان

بحث دیگر در افق معناشناختی، تحولات زبان در گذر زمان است. باید دانست که زبان دائماً تغییر می‌کند. امروزه زبان فارسی زبان کهن و یا سالیان پیش نیست. ساختار و نیز واژه‌ها دگرگون شده‌اند. امروز می‌گوییم: ماهواره، جشنواره، روند، فرایند، زبان‌شناسی. دیروز در برابر اینها هیچ نمی‌گفتیم. امروز می‌گوییم: دادستان، راننده، حوله، سکه، تجربه

1. Historical function

یا آزمون. دیروز می‌گفتیم: داروغه، سورچی، قطیفه، اشرفی، تجربت، مبنای تغییر هم علم، فرهنگ، جامعه و زندگی روزمره است.

۳. تفسیر و تأویل

از دیگر مباحث مطرح در افق معناشناختی، بحث تفسیر و تأویل است. هر ترجمه به‌ناچار نوعی تفسیر از متن اصلی است. بدون تفسیر، ترجمه به طور کلی و ترجمه متون دینی به نحو اخص، ممکن نیست. البته کثرت تأویل‌ها به معنای یکسان بودن آنها نیست. برخی تفاسیر و تأویلات از برخی وفادارتراند. اصول تفسیر عبارت‌اند از: تبیین مقصود اصلی، انتقال معنای - حتی‌الامکان - واقعی واژگان، مشاهده زمینه و کانتکست، ارتباط با زمینه‌های تاریخی فرهنگی، قالب ادبی (مثلاً شعر)، تفسیر متن به متن بر اساس طرح مؤلف، مطالعه واژه و دستور. به یاد داشته باشیم: خدا به زبان انسان سخن می‌گوید.

در اینجا پرسشی مهم طرح می‌شود: آیا هر ترجمه تفسیری است؟ دو شیوه متفاوت برای ترجمه کتب مقدس وجود دارد:

الف. هم‌ترازی صوری^۱

ترجمه صوری و کاملاً دقیق متن و حتی ترجمه واژه به واژه متن در اینجا مراد است. مترجم نمی‌خواهد بگوید مراد خدا یا متن مقدس چیست، بلکه صرفاً کلمات خدا یا متن مقدس را منتقل می‌کند.

ب. هم‌ترازی پویا^۲

اضافه کردن فهم مترجم به متن است. معنای متن، به علاوه فهم و برداشت مترجم ساخته می‌شود. این رهیافت را کنت تیلور در ۱۹۷۱ گشود. او دید که ترجمه کینگ جیمز

1. Formal equivalence
2. Dynamic equivalence

از کتاب مقدس برای کودکان نامناسب است. بعد که دست به کار ترجمه‌ای مفهومی‌تر و تفسیری‌تر شد، دید که برای بزرگسالان نیز آن ترجمه قدیمی چندان کارآمد نیست. این بود که خود ترجمه انجیل زنده^۱ را به دست داد. پس از کار او شمار ترجمه‌های پویا رواج یافت. برخی از آنها عبارت‌اند از:

- An Inclusive Language Lectionary. 1983
- New Jerusalem Bible. 1985
- New American Bible, revised New Testament. 1986
- New Century Version. 1987
- Revised English Bible. 1989
- New Revised Standard Version. 1990
- Good News Bible, 2nd ed. 1992
- The Message. 1993
- The Five Gospels (Jesus Seminar). 1993
- The Inclusive New Testament. 1994
- Contemporary English Version. 1995
- God's Word. 1995
- New International Reader's Version. 1995
- New International Version, Inclusive Language Edition. 1995
- New Testament and Psalms, an Inclusive Version. 1995
- New Living Translation. 1996
- Today's New International Version. 2002

در بحث تفسیر باید گفت که سه نوع دخالت تفسیری در متن ممکن است: افزایش، کاهش، تصرف و تغییر ساختار و چینش. گاهی تصریح به تفسیر متن و معلوم کردن مراد واقعی متن لازم است؛ مثلاً اگر در آیه انه ربی احسن مثنوی (یوسف/ ۲۳) ضمیر را به «عزیز مصر» برگردانیم، چنان که برخی از مفسران گفته‌اند، لایه دیگری از معنا برای آیه منتقل کرده‌ایم. اگر این ضمیر به «عزیز مصر» بازگردد، تصریح به آن لازم است و نمی‌توانیم

1. The living bible

ضمیر را «او» ترجمه کنیم. گاهی افزایش بر اساس نیازی فرامتنی لازم می‌شود. در قرآن کریم آمده است: و سيق الذين كفروا الى جهنم زمراً... و سيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمراً (زمر/ ۷۱ و ۷۳) «سيق» مجهول را می‌توان به معلوم ترجمه کرد. بهاء‌الدین خرمشاهی به درستی گفته است: اما اگر این دو کلمه را معلوم ترجمه کنیم، باید توجه داشته باشیم که کافران را به جهنم می‌رانند؛ ولی متقیان را راهنمایی می‌کنند. در اینجا افزودن کلمه‌ای که این معنا را انتقال دهد لازم می‌شود.

جلال‌الدین فارسی در ترجمهٔ یا ایهاالذین آمنوا به اصرار چنین معادلی می‌آورد: «هان ای کسانی که ایمان آوردند.» اما مثلاً خرمشاهی در - تقریباً - همهٔ موارد «ای مؤمنان» ترجمه کرده است. موسوی گرمارودی هم «ای مؤمنان» آورده است.

یک مثال دیگر هم این است که گاه عبارت ضمنی را صریح ترجمه می‌کنند. خرمشاهی در ترجمهٔ آیهٔ و اذا اصابهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون (بقره/ ۱۵۶) چنین آورده است: «کسانی که چون مصیبتی به آنان رسد گویند: انا لله و انا الیه راجعون.» یا در ترجمهٔ آیهٔ هجده سورهٔ قلم و لایستئون آورده است: «و ان شاء الله نگفتند.» اما برخی دیگر از مترجمان در ترجمهٔ این آیه آورده‌اند: «و استثنا نکردند»؛ «و اگر خدا خواهد نگفتند.»

۴. عناصر معرفت‌شناختی

یکی دیگر از ارکان مباحث معناشناسی ترجمه موضوع عناصر معرفتی است. ما در مواجهه با یک متن همواره با طیفی از لایه‌های معنایی روبه‌رویم. ساخت‌های فکری، فلسفی، کلامی، تاریخی، اجتماعی و اخلاقی، سازندهٔ هر متن و تلقی ما از هر متن‌اند. بنابراین کار ترجمه تنها کاری مکانیکی و ماشینی نیست. در ترجمه باید به همهٔ این مفاهیم اندیشید و بحث انتقال آنها را ارزیابی کرد. شناخت دقیق هر متن، مبتنی بر شناخت همهٔ این ظرفیت‌ها است.

۵. صورت یا محتوا

نزاع مهمی در مباحث ترجمه متون مقدس در باره تقدم و اولویت انتقال صورت یا محتوا وجود دارد. گاه تقوای ترجمه متون مقدس باعث می شود که مترجم به ترجمه تحت‌اللفظی دچار شود و ناخواسته معنای روشن متون را تیره کند. اما این دقت پرهیزکارانه باید با گونه‌ای معنا‌باوری همراه شود تا خواننده از درک درست معنا عاجز نماند. در کار ترجمه باید به این موارد توجه شود: تقدیم و تأخیر اجزای جمله بر حسب زبان مقصد، جایگاه و کارکرد فعل، مفعول و فاعل، مرجع ضمائر، نسبت‌های بیانی و معنوی کلمات، جنسیت، عموم و خصوص، شخص، کنایه، همچنین بارهای عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، عمومی، خصوصی، و نیز مفاهیم چند لایه، صریح، خطی، دایره‌ای. در ترجمه‌های تحت‌اللفظی،^۱ بنیاد و مرکز ثقل ترجمه صورت و فرم بود؛ اما در ترجمه‌های معنا‌محور و جدید محتوا و پیام است. البته گاهی ترجمه مفهومی یا پیام‌محور موجب گسست ساختار و چینش خطی روایت متن مقدس می‌شود. اما آیا این امر بدتر است یا مفهوم نبودن متن؟ این پرسشی جدی است.

۶. آشکاری و آشکارگری مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

غموض متن معلول فاصله‌های تاریخی و فرهنگی و زبانی است. فواصل زبانی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی هم مؤثر است. کاربرد ناهماهنگ دو زبان نیز عامل دیگری است. نایدا مثالی زده است: «کسی وقتی ترجمه انگلیسی Today's English Version را می‌خواند، گفته است: «این نباید کتاب مقدس باشد. من که هر کجایش را می‌خوانم می‌فهمم.» در هر حال، مترجم باید به ساده‌سازی^۲ توجه کند و این غیر از سطحی‌گرایی است.

1. Literal
2. Simplification

برای همین است که نمی‌توان از واژه‌های جا افتاده و تغییرنپذیرفته چشم پوشید. مترجمی طلاق را رهایی، سدره المنتهی را سدر بن پایانه، اهل کتاب را به نامه‌داران، قرآن را به نبی، زکات را به جزیه یا کیش - باج، ترجمه کرده است. وی همچنین حواریون را گازران، ام‌الکتاب را مام‌نامه، ام‌القری را مام‌شهر، عرش را اورنگ، حوری را سپیدتنان، صور را شاخ، روح‌القدس را روان‌پاک، لوح محفوظ را لوح نگاه‌داشته، جهاد و مجاهدین را کوشش و کوشندگان، هجرت و مهاجرین را کوچیدن و کوچندگان، روح‌الامین را روح استوار ترجمه کرده است. خرمشاهی این ترجمه‌ها را در چشم‌ها را باید شست نقد کرده است. در ترجمه به یک نکته دیگر باید توجه داشت: پرهیز از غلبه عربی‌گرایی یا زبان صنفی نیز امری لازم است.

۷. الزامات بلاغی و زیبایی‌شناختی متن

متن قدسی سرشار از زیبایی است؛ اما پرسش این است که انتقال زیبایی‌های متن از چه راهی ممکن می‌شود؟ زیبایی‌شناسی هر متن، بر اساس زبان شکل می‌گیرد؛ اما اگر انتقال دستگاه زبانی زیبایی‌ساز از زبان مبدأ به زبان مقصد ممکن نباشد، حفظ صورت ساده و طبیعی کلام اولویت دارد. زیبایی مصنوعی آفت‌زا است.

چهارم. افق ریخت‌شناختی (ساختار یا ریخت)

یکی دیگر از ابعاد مهم ترجمه، بعد ریخت‌شناسی آن است. ریخت یا ساختار در متون قدسی، نباید نادیده انگاشته شود. از این رو باید با دقت در آن برای انتقال بهتر مفهوم کوشید. در افق ریخت‌شناسی چند مبحث اهمیت فوق‌العاده دارد.



۱. متن و فرا متن^۱

توجه به همه مفاهیم و عناصر هاله‌ای در هر متن که گرداگرد متن تنیده‌اند و فهم آن متن منوط به فهم آنها است، اساسی است. متن، چیزی بیش از کلمات موجود بر کاغذ است. هر متن، فضایی پیرامون خود دارد که بسا با کلمه به زبان و عینیت در نمی‌آید.

۲. نسخه‌ها و تعدد نقل‌ها

توجه به این مهم نیز باعث گریز از برخی خطاهای لفظی و معنایی می‌شود.

۳. دستور زبان و واژه‌ها: تفاوت‌ها و شباهت‌ها

پایبندی به دستور زبانی متن مبدأ، کاری نادرست و دردسرزا است. آنچه واقعا اهمیت دارد، رعایت دستور زبان مقصد است؛ مثلاً باید به کاربرد زمان افعال در هر دو زبان توجه کرد. مواردی از این دست، سرنوشت ساز است. آیا - مثلاً - صیغه مجهول یا تأیید در زبان مبدأ یا مقصد وجود دارد؟ برای نمونه نایدا گفته است: «سفید همچون برف» در کتاب مقدس برای مردمی که برف ندیده‌اند، نامفهوم است. می‌توان «بسیار بسیار سفید» یا «سفید همچون پر قو» ترجمه کرد.

امامی آیه لا یسمعون فیها لغواً الا سلاماً (مریم/ ۶۲) را چنین ترجمه کرده است: «در آن باوهای نشنوند جز دروغ.» بعد هم در پاسخ انتقادی دلیل آورده که عین قرآن ترجمه کرده است. آیتی در بازگردان این آیه آورده است: «در آنجا سخن لغوی نمی‌شنوند. گفتارشان سلام است.» خرمشاهی نیز آورده است: «آنجا هیچ‌گونه لغوی نشنوند، و جز سلام نشنوند.»

-
1. Text
 2. Context

گاهی در ترجمه، تغییر ساختار لازم است؛ مثلاً بسیاری از مترجمان «واو» استینافیه یا زائده را ترجمه می‌کنند. برخی هم به درستی آن را ترجمه نمی‌کنند: ولکم فی القصاص حیاة... (بقره/ ۱۷۹) ... ولیکون من الموقنین. (انعام/ ۷۵)

تقدم و تأخر کلمات نیز از مثال‌های دیگر است: و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا (جاثیه/ ۲۴) میبدی آورده است: «می‌زیسیم و می‌میریم.» خرمشاهی آورده است: «زندگی می‌کنیم و می‌میریم.» آیتی نیز چنین آورده است: «به دنیا می‌آییم و می‌میریم.»

۴. همزبانی کلی و مجموعی

در بحث ریخت و ساختار باید به یک نکته دیگر هم توجه داشت. پاره‌ها و بخش‌های ترجمه باید هماهنگی و همنوایی کامل با دیگر بخش‌ها و پاره‌های کلیت متن قدسی داشته باشد. همچنین باید با فضای کلی و سپهر ادراکی آن دین تعارض نشان ندهد.

پنجم. افق روان‌شناختی

در این افق نیز نکات مهمی وجود دارد که مترجم متن قدسی نمی‌تواند از آنها چشم‌پوشد. به هر حال، نوع نگاه مترجم و انگیزه‌ها و سائقه‌های او در ترجمه دخالت می‌کند. از این رو باید با دقت به جنبه‌های مختلف این افق نگریست.

۱. دلیل انتخاب

نخستین پرسش هر مترجم باید این باشد: گزینش کدام متن برای ترجمه مفیدتر و کارآمدتر است؟ خلأها و کاستی‌ها کجا است؟ مترجم باید صرفاً مغلوب انگیزه‌ها و سائقه‌های ذهنی خویش نشود و با نگاهی جمع‌گرا و چندساحتی به موضوع بنگرد.

۲. حفظ عناصر فرقه‌ای یا طرد آن

در ترجمه بیشتر متون مقدس، حفظ عنصر فرقه‌گرایی دشواری‌ساز است؛ مثلاً بحث قرآن الشیعه در ترجمه - و نیز کلاً - نادرست و تباهی‌آور است.

۳. حفظ روایات شاذ یا عام

در واقع مترجم نباید با تکیه بر نقل‌های شاذ به ترجمه و انتقال مفاهیم قدسی بپردازد. حفظ کلیت متن و نیز عمومیت آن وظیفه مترجم است.

۴. نگاه بومی یا جهانی

زدودن فضا و سپهر محلی^۱ از متن و فراگستر کردن آن، کار ترجمه خوب و درخشان است.

۵. باورها و پیش‌فرض‌ها

پیش‌فرض‌های مترجم در سویه‌های مختلف بر ترجمه اثر می‌گذارد. اگر مترجمی به زبان امروز اعتقاد داشته باشد، زیباسازی ترجمه را باور کند و پرسش‌های رایج عصر و نسل امروز را بداند، به گونه‌ای ترجمه می‌کند و اگر مترجمی همه اینها را نداند و به آن اعتقاد نداشته باشد، گونه‌ای دیگر. این پیش‌فرض‌ها هم در انتقال معنا مؤثراند و هم در انتقال شکل و صورت؛ مثلاً فیض‌الاسلام در ترجمه آیه و وصینا الانسان بوالدیه (عنکبوت/۸) در برابر انسان پراتنز باز کرده و گفته است: امام حسین - علیه‌السلام - . این نوعی روایت شیعی در تفسیر قرآن است که گونه‌ای تفسیر و تأویل باطنی است و فیض آن را پیش‌فرض ترجمه خود گرفته است.

1. Local

چند نمونه

در اینجا چند مثال از ترجمه‌های مختلف برخی آیات قرآن کریم می‌آوریم که به روشنی افق‌های مختلف معنایی و زبانی را نشان می‌دهند.

۱. صبغة الله و من احسن من الله صبغة (بقره/ ۱۳۸)

فیض‌الاسلام: خدا ما را به رنگی (به فطرت و دین اسلام) رنگ کرده است، و کیست نیکونگارتر از خدا برای رنگ آمیزی.

فولادوند: [این است] نگارگری الهی؛ و کیست خوش‌نگارتر از خدا.

مکارم: رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام)؛ و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟!

معزی: رنگ خدا و کیست نکوتر از خدا در رنگ و ماییم برای او پرستش‌گران.

خرمشاهی: خوشا نگارگری الهی، و چه کسی خوش‌نگارتر از خداوند است.

۲. ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين (بقره/ ۲)

فیض‌الاسلام: آن کتاب شک و شبهه‌ای در آن نیست (چون خطا و اشتباه در آن راه ندارد) برای پرهیزکاران راهنما است.

فولادوند: این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست؛ و [مایه] هدایت تقواییشان است.

مکارم: آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است.

معزی: این نامه که تردیدی در آن نیست، راهنمای پرهیزکاران است.

خرمشاهی: این کتاب که شک در آن روا نیست [که] راهنمای پرهیزکاران است.

۳. ان فرعون لعال في الارض و انه لمن المسرفين (یونس/ ۸۳)

فیض‌الاسلام: البته فرعون در زمین غالب و چیره و مقتدر و توانا و متکبر و گردنکش بود.

فولادوند: در حقیقت فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسرافکاران بود.



مکارم: زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت؛ و از اسرافکاران بود.
 معزی: و همانا فرعون برتری جویی است در زمین و همانا او است از اسراف کنندگان.
 خرمشاهی: و فرعون در آن سرزمین گردنکش بود و همواز تجاوزگران بود.

۴. ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن وداً (مریم/ ۹۶)
 فیض الاسلام: محققاً آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، زود باشد که
 خدای بسیار بخشنده محبت و دوستی (امیرالمؤمنین و یازده فرزندش - صلوات الله علیهم
 اجمعین -) را برای ایشان (در دل هایشان) قرار دهد.

فولادوند: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان
 برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد.

مکارم: مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان
 محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد.

معزی: همانا آنان که ایمان آوردند و عمل صالح کردند زود است بنهد برای ایشان
 خداوند مهربان دوستی را.

خرمشاهی: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، زود است که خداوند
 رحمان در حق آنان مهربانی کند.

۵. واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً (بقره/ ۱۲۳)
 فیض الاسلام: بپرهیزید از روزی (قیامت) که کسی از دیگری چیزی (عذابی) را دور نمی‌گرداند.
 فولادوند: و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند.
 مکارم: از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی‌کند.
 معزی: و بترسید روزی را که کفایت نکند کسی از کسی چیزی را.
 خرمشاهی: و از روزی بترسید که کسی به داد کسی نرسد.
 گرمارودی: و از روزی پروا کنید که هیچ کاری از کسی دیگر بر نمی‌آید.

عربا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا (آل عمران / ۲۰۰)
فیض الاسلام: ای اهل ایمان! صبر کنید (و در پیکار با دشمنان اسلام) ثبات قدم و ایستادگی
داشته باشید و با (ائمه و پیشوایان دین) ربط و پیوستگی خود را محکم و استوار نمایید.
فولادوند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را
نگهبانی کنید.

مکارم: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید! و
در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید.
معزی: ای آنان که ایمان آورده‌اید بردبار باشید و شکیبایی ورزید و خویش را آماده
جنگ نگه دارید.

خرمشاهی: ای مؤمنان شکیبایی و پایداری ورزید و آماده جهاد [و سایر عبادات] باشید.

۷. فلا اقسّم بمواقع النجوم (واقعه / ۷۵)

فیض الاسلام: پس به فرو رفتن ستارگان (در مغرب‌ها و جاهایی که از دیدن ما پنهان
می‌شوند) سوگند یاد می‌کنم. (در میان فصحا متعارف است که فعل قسم را با کلمه لا
بیان می‌کنند. پس معنای «لا اقسّم» «سوگند یاد نمی‌کنم» نیست، بلکه معنای آن
«سوگند یاد می‌نمایم» است چنان‌که از آیه پس از آن دانسته می‌شود.

فولادوند: نه [چنین است که می‌پندارید] سوگند به جایگاه‌های [ویژه و فواصل معین] ستارگان.

مکارم: سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)!

معزی: پس سوگند نخورم به فرودگاه‌های ستارگان.

خرمشاهی: سوگند می‌خورم به منزلگاه‌های ستارگان.

امامی: سوگند به فرودگاه اختران نخورم.

۸. بسم الله الرحمن الرحيم. والنازعات غرقاً. والناشطات نشطاً. والسابحات سبحاً.

فالسابحات سبحاً. فالمدبرات امرأ. (نازعات / ۱ - ۵)

اصفهان‌ی و همکاران: به نام خدای گسترده‌مهرِ مهروز؛ سوگند به گیرندگان سخت‌گیر؛ سوگند به بازستانان نرم‌گیر؛ سوگند به شناوران تندرو! و پیشی‌گیرندگان پیشتاز؛ و تدبیرکنندگان کار[ها].

فولادوند: سوگند به فرشتگانی که [از کافران] به سختی جان ستانند؛ و به فرشتگانی که جان مؤمنان را به آرامش می‌گیرند؛ و به فرشتگانی که [در دریای بی‌مانند] شناکانان شناورند؛ پس در پیشی گرفتن [در فرمان خدا] سبقت گیرنده‌اند؛ و کار [بندگان] را تدبیر می‌کنند.

مکارم: به نام خداوند بخشنده بخشایشگر؛ سوگند بر فرشتگانی که (جان مجرمان را به شدت از بدن‌هایشان) جدا می‌کنند؛ و فرشتگانی که (روح مؤمنان) را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند؛ و سوگند به فرشتگانی که (در لوای فرمان الهی) با سرعت حرکت می‌کنند؛ و سپس بر یکدیگر سبقت می‌گیرند؛ و آنها که امور را تدبیر می‌کنند!

معزی: به نام خداوند بخشاینده مهربان؛ سوگند به برکنندگان به قوت؛ و به کشندگان کشیدنی (یا جهندگان جهشی)؛ و به شناوری کنان شناوری؛ پس پیشی‌گیرندگان پیشی‌گرفتنی؛ پس کارپردازان کاری.

خرمشاهی: سوگند به فرشتگانی که در گرفتن جان [کافران] به سختی کوشند؛ و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] به ترمی گیرند؛ و سوگند به فرشتگانی که شناکانان هبوط کنند؛ و [سوگند] به فرشتگان پیشتاز؛ و به فرشتگانی که کارسازند.

فرجام سخن

امروز دیگر ترجمه‌های تازه متون مقدس باید بر اساس روش علمی فراهم شوند. ترجمه - مثلاً - قرآن کریم هنوز هم راه نرفته دارد. با هر ترجمه خوب ما به متن قدسی نزدیک‌تر می‌شویم. امیلی دیکسنسون، شاعر متاله آمریکایی، خوب گفته است: «افزایش بندرها کاهش دریا نیست.»

منابع

۱. تودوروف، تزوتان (۱۳۷۹) بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، تهران، آگه.
۲. زیباکلام، فاطمه (۱۳۷۸) «فلسفه آموزش و پرورش و اهمیت فرهنگ از دیدگاه متیو آرنولد»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، شماره ۵۹.
۳. کندراتوف (۱۳۷۰) آمار و زبان، ترجمه ابوالحسن نجفی، کیان.
۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ فیض‌الاسلام، سید علی‌نقی؛ معزی، محمدکاظم؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ امامی، ابوالقاسم؛ فولادوند، مهدی، ترجمه‌های قرآن.
۵. موآم، سامرست (بی تا) لبه تیغ، ترجمه مهرداد نیلی، فرزانه روز و علمی - فرهنگی.





مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی